

www.ketab.ir

مروری بر زندگی و آثار

مہدے سحابے

عنوان و نام پدیدآور	مروری بر زندگی و آثار مهدی سحابی / نویسندگان احسان آقایی، آ و دیگران؛ زیر نظر احسان آقایی؛ ترجمه کیمیا نخعی؛ ویرایش ساختاری متون فارسی شکبیا پرورش؛ ویرایش متون انگلیسی صنم کلانتری؛ سیاست از همراهی سیدمحبتی حسینی؛ آ و دیگران؛ با همکاری گالری مژده
مشخصات نشر	تهران: موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	۳۵۲ ص.؛ موزون (رنگی)، عکس (رنگی)، ۲۷/۵×۲۱ سم.
شابک	978-600-93377-9-8
وضعیت فهرست نویسی	فهرست
یادداشت	به مناسبت برپایی نمایشگاه آثار هنرمند در سال ۱۴۰۰. نویسندگان احسان آقایی، سهراب احمدی، مرضیه اطهری نیک عزم، سعادت افرو، علی بختیاری، شکبیا پرورش، ناصر تجاره، هوفر حقیقی، حمیدرضا شعیری، مژده طباطبائی، بهنام کامرانی، زینب گلستانی درو، پژمان نظرزاده آبکنار، محسن نمک دوست، سیاس از همراهی سیدمحبتی حسینی، هادی مظفری، عبدالرحیم سیاهکارزاده، بانک نظری
یادداشت	



مژده

مروری بر زندگی و آثار مهدی سحابی

این کتاب به مناسبت برپایی نمایشگاه آثار هنرمند در سال ۱۴۰۰ با همکاری گالری مژده منتشر شده است

احسان آقایی

زیر نظر

مژده طباطبائی

ایده، مدیریت و اجرا

سهراب احمدی

مدیر ادبی

مهدی رضاخانی

مدیر هنری

سامان اسطخلی

طراح گرافیک

سمیرا علیزاده

صفحه آر

حمید اسکندری

گروه عکاسی

مهناز صحاف

عکاسی، ادیت و همسان سازی عکس ها

ژیلا دژم تباه

آثار گنجینه موزه هنرهای معاصر

سیامک زمردی

آثار گنجینه موزه پاسارگاد

امیرحسین بیرجندی

صفحه های ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۶، ۱۰۱، ۱۳۵، ۱۳۶

لاله شرکت

صفحه های ۲۴، ۲۶، ۸۷ و ۱۴

سعادت افزود

عکس روی جلد و پوستر

مریم افراسیابی

آرشیو و روابط عمومی

احسان آقایی، سهراب احمدی، مرضیه اطهری نیک عزم، سعادت افزود،

دستیار

علی بختیاری، شکبیا پرورش، ناصر تجاره، هوفر حقیقی،

نویسندگان

حمیدرضا شعیری، مژده طباطبائی، بهنام کامرانی،

زینب گلستانی درو، پژمان نظرزاده آبکنار، محسن نمک دوست

شکبیا پرورش

ویرایش ساختاری متون فارسی

کیمیا نخعی

ترجمه

صنم کلانتری

ترجمه مقاله «از چشم تا نگاه» و ویرایش متون انگلیسی

موزه هنرهای معاصر تهران

ناشر

۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۷۷-۹-۸

شابک

بصیر

لیتوگرافی

افق

چاپ

علی

صحافی

اول، تابستان ۱۴۰۰

نوبت چاپ

۱۰۰۰ نسخه

شمارگان

دیباچه

- ۱۲ جستجوی بی‌پایان / احسان آقایی
۱۵ رند جهان‌بین / مژده طباطبائی

زندگی‌نامه

- ۱۸ هنرمندانه زیستن به سیاق مهدی سحابی / سعادت افزود

مقاله‌ها

- ۳۴ راهی به سوی هم‌آیی با هستی / حمیدرضا شعیری
۴۵ از آپکون تا نماد / مرضیه اطهاری نیک‌عزم
۵۱ دیوارنگاره‌ها بر بوم / بهنام کامرانی
۵۴ منظره: سرمستی و شعف / زینب گلستانی درو
۵۹ از چشم تا نگاه / سهراب احمدی
۶۶ فروپاشی شیء متعالی / پژمان نظرزاد آیکنار
۷۱ لهری بر فراز جلگه فرهنگ / علی بختیاری
۷۳ از دست‌رفتگی زمان / هوفر حقیقی
۷۷ قدیسان رانده‌شده / شکیبا پرورش
۷۹ روزنامه‌نگاری که به نقاشی پناه برد / ناصر تجاره
۸۳ روزنامه‌نگار همیشه / محسن نمک‌دوست

- ۸۹ ماشین قراضه
۱۲۷ فیکور
۱۳۹ پرتره
۱۴۹ صورتک
۱۶۹ کلاژ
۱۸۱ زیرخاک‌های هخامنشی
۱۹۱ گل
۱۹۹ جعبه و پرنده
۲۱۹ ستون
۲۲۹ آدمک
۲۳۹ دیوارنگاره
۲۶۳ عکس
۲۷۹ طبع و نشر

هنرکده هنرهای تزئینی تهران

چینه چیتا

آکادمی هنرهای زیبای رم

پاریس

تهران

پاریس

تهران

پاریس

نقاشی

بازیگری

عکاسی

مجسمه‌سازی

روزنامه‌نگاری

ترجمه

ترجمه

ترجمه

نقاشی

ترجمه

ترجمه

نقاشی

نقاشی

ترجمه

نقاشی

نقاشی

نقاشی

ترجمه

تصویرگری

ترجمه

مجسمه‌سازی

نقاشی

نقاشی

مرگ...

برسه‌های روحی بی‌قرار و شاید در جستجوی قرار ...

نوشتن از مهدی سحابی، نوشتن از «سهل ممتنع» است؛ شخصیتی متکثر که کاویدن ابعاد آن به ویژه در دو حوزه ادبیات و هنرهای تجسمی - به صورت منفک - به صواب نزدیک‌تر است؛ این چنین موجد رهیافتی خواهیم بود تا خط ارتباطی این وجوه متکثر خود را نمایان کند. اگرچه دریچه ورود او به هنر در معنای عام، به هنرهای دیداری ارجاع دارد ولی بر این باورم، شناخت او از منظر ادبیات دست‌یافتنی‌تر خواهد بود. جد و جهد سحابی در ترجمه، او را جایگاهی بخشیده است که می‌توانم واژه «اجتهاد» را برای توصیف آن وام‌گیرم. بی‌گمان «در جستجوی زمان از دست رفته» به تنها اجتهاد او در ترجمه است بلکه ما را به جهان‌بینی سحابی حتی از منظر هنرهای تجسمی نیز نزدیک می‌کند. این کتاب برای هر خواننده‌ای - حتی به زبان اصلی - چالشی است فراگیر که با انتخاب پایان می‌یابد کنار گذاشتن آن و یا درگیری با آن که در نهایت خواننده را محظوظ و یا مغبون می‌کند. نمی‌دانم سحابی کی با رمان «در جستجوی زمان از دست رفته» آشنا شد و چه زمانی اندیشه ترجمه آن در ذهنش شکل گرفت ولی به باور من، زندگی او سراسر متأثر از این کتاب است؛ آثار او نیز چون آن رمان، فرازمان و فرامکان است و مدام بین گذشته و آینده، امید و حسرت، فراز و فرود، وهم و خیال، آگاهی و ناآگاهی، پیوند و جدایی و بسیاری از دوگانه‌های دیگر در سیلان است.

«ماشین‌های قراضه» و «ماشین‌های پازل شده» بیش از آن که حاوی روایت باشند آثاری فرمیکاند. در این مجموعه چون بخش‌هایی از رمان، عملاً هیچ اتفاقی نمی‌افتد یا قرار نیست که بیفتد بلکه چون رمان پروست در برخی مواقع به جزئیاتی - که شاید چندان مهم نباشند - پرداخته شده است. برای نمونه در یکی از آثار این مجموعه، نشان «بنز» در نخستین نگاه خود را می‌نمایاند، آیا نقاش قصد بیانی نشانه‌شناسانه داشته است و می‌توان از ترکیب آن با پالت رنگی او در این اثر به برداشتی اگزیستانسیالیستی دست یازید؟ پاسخ دشوار است و درعین حال می‌تواند «آری» و «نه» باشد ولی من بر آنم که آن را چون شیوه نگارش پروست ببینم؛ در رمان او، گاهی ده‌ها صفحه را پشت سر می‌گذاریم و شاهد توصیفاتی - تا سرحد ملال - هستیم که عملاً

صورتک‌ها، آدمک‌های کوچک و حتی جعبه‌ها از این منظر قابل خوانش‌اند. ویژگی بارز اکثر آثار حجمی سحابی، کاربست رنگ‌های هیجان‌نما و مکمل در بیان بصری است که او را در مقصود پروستی خود، یاری می‌کند.

فتمونتاژهای سحابی، شاید تنها دوره‌ای باشد که او در جستجوی مستقیم خط ارتباط است. کلید واژه «ارتباط» در این مجموعه شامل ارتباط زمانی، بصری و معنایی نیز می‌شود، هرچند ارتباطات معنایی و بصری شاخص‌ترند و منجر به نوعی ترکیب‌بندی مبتنی بر جهان‌بینی او می‌شوند. به باور من این مجموعه شخصی‌ترین دوره کاری اوست که سعی در جستجو و مکاشفه دارد، مکاشفه‌ای که وجه تمایز او با سایر دوره‌های کاری است. در فتمونتاژها، مخاطب باید رنج و دشواری کشف را از مسیر صعب شناخت او به جان بخرد تا خطوط ارتباطی این تصاویر را درک کند؛ از این‌رو آثار این مجموعه، چون سایر دوره‌های کاری سحابی، با اقبال عمومی مواجه نشدند.

سحابی تجلی عینی «در جستجوی زمان از دست رفته» بود و آثارش را هم با همان جهان‌بینی خلق کرد. او در گفت‌وگویی با مهرداد قاسم‌فر در روزنامه «ایران»، گفته است: «شاید یکی از مهم‌ترین دستاوردهای زندگی من متأثر از پروست باشد و آن تأکید فراوان او بر این نکته که اثر هنری هیچ ربطی به زندگی سازنده‌اش ندارد، اثر هنری مستقل از زندگی شخصی آفریننده‌اش خلق می‌شود. اغلب این آثار در واقع برای حذف زندگی شخصی هنرمند ساخته می‌شود. واقعیت آن است که همواره چیزی در زندگی هنرمند بوده که او برای جبران و یا تکمیل آن نقیصه، با هنرش به رفع آن پرداخته. اشتباه بزرگی است اگر بخواهیم از طریق زندگی شخصی آفرینشگر، به خود هنر آفریده شده برسیم».

جستجوهای سحابی بی‌پایان بود؛ تغییر مکرر رشته تحصیلی و فعالیت‌های حرفه‌ای و آموختن سه زبان دیگر در کنار زبان مادری، دلیلی بر این ادعاست که تا پایان زندگی‌اش، این مسیر را ادامه داد. شاید این بیت از جلال‌الدین بلخی توصیفی مناسب برای اوست:

کی شود این روان من ساکن این چنین ساکن روان که منم

فاقد ارتباط معنادار با داستان هستند ولی بیان می‌شوند، چون هستند، فارغ از هر برداشت فکری و فلسفی. دانش بصری سحابی هرچند ما را به خوانشی دیداری در این مجموعه سوق می‌دهد ولی آن هم در نهایت یک واژه را به ذهن متبادر می‌کند: کمپوزیسیون؛ ساماندهی عناصر بصری در یک ترکیب‌بندی استوار؛ او حتی آگاهانه از رنگ اکریلیک بهره می‌برد تا مانع بیان هیجان‌نمایانه رنگ‌روغن شود. نمی‌شود از این واقعیت چشم‌پوشید که این مجموعه ارتباطی با شغل پدر هنرمند و یا کودکی او ندارد ولی تجلی آن‌ها بر بوم فاقد بیان معنایی و روایی است؛ شاید نوعی «تداعی آزاد» است؛ آنچه که به گمان من، نوشتن رمان پروست ریشه در آن دارد و در آن، نوشتن فی‌نفسه، بر معنا و روایتگری ارجحیت دارد. او در گفت‌وگویی با احمد رضا دالوند گفته است: «در کشیدن آن‌ها [ماشین‌های قراضه] هیچ انگیزه اعلام شده و اعلام کردنی ندارم. به قصد بیان هیچ فلسفه یا شعاری آن‌ها را نکشیده‌ام. مطلقاً قصد هیچ‌گونه پیام‌رسانی ادبی از نوع خشونت ماشین‌نظم، بی‌هویتی انسان در عصر ماشین، مرگ، مصرف‌زدگی و ... نداشته‌ام. در این ماشین‌های قراضه بیش از هر چیز یک طبیعت بی‌جان دیده‌ام».

پروست، نگرش هنرمندانه به جهان را می‌پسندید و هنرمندان را شایسته تکریم و احترام می‌دانست نه از آن جهت که هنرمندند، بلکه موجب تازگی و طراوت‌اند. آن‌چنان که گفته‌اند نقاش مورد علاقه او «ورمیر» بوده است. نقاشی که تصویرگر امور روزمره زندگی است ولی چنان این امور را تصویر کرده است که رخوت را از بیننده می‌زداید و نگاهی تازه به او هدیه می‌کند. مهدی سحابی در مجموعه آثار حجمی خود، ما را با چنین نگاهی مواجه می‌کند. شاید مجموعه «پرنده‌ها» متناسب‌ترین دوره آثارش با این مضمون باشد. در این آثار او با تلفیق اشیاء طبیعی و در برخی موارد بلااستفاده و ساخته دست بشر، پرنده‌هایی را به ما می‌نمایاند که ما به ازای بیرونی ندارند. استفاده از رنگ‌های اکسپرسیو و اتصال هوشمندانه اشیاء به یکدیگر ما را به درکی تجربیدی از پرنده و پرواز رهنمون می‌کند، چنان‌که مخاطب را به تأمل وامی‌دارد که آیا باید به فرم و تکنیک نگریست یا به ذات پرنده‌گی و پرواز اندیشید؟